

آیین‌های پایانی جشنواره‌های امام‌رضا(ع) در آستانه دهه کرامت



پوستر شانزدهمین جشنواره ملی تئاتر رضوی روز گذشته در حوزه هنری رونمایی شد. مرتضی سعیدی زاده، مدیر بنیاد امام‌رضا(ع)، در سخنانی بیان کرد: آیین‌های پایانی جشنواره‌های امام‌رضا(ع) در آستانه دهه کرامت

برگزار می‌شوند که این رویدادها از آذرماه سال قبل شروع شده‌اند و تا خرداد امسال ادامه دارند و تاکنون دوازده اختتامیه برگزار شده است. او با تشریح برنامه‌های مختلفی که در حوزه‌های متعدد مثل شعر و هنرهای تجسمی برگزار شدند، درباره تئاتر گفت: ارتقای جریان محتوا در بخش تئاتر شایان توجه است و امیدوارم تا چند ماه آینده این محتوا به تولید تله تئاتر منجر شود. در این راستار در حال تعامل با رسانه ملی هستیم که این تله‌تئاترها از تلویزیون پخش شوند. وی با اشاره به تندیس‌های اهدایی در این رویداد و دیگر رویدادهای هنری - که هر کدام تندیس ویژه‌ای دارند- اظهار کرد: ما برای این جشنواره به تندیس «ارادت» رسیدیم که شب میلاد امام‌رضا(ع) در مشهد مقدس رونمایی و به هشتاد برگزیده اهدا خواهد شد.

ارسال ۲هزار عکس به جشنواره رضوی



داور دوازدهمین جشنواره بین‌المللی عکس رضوی از ارسال بیش از ۲هزار عکس به دبیرخانه جشنواره خبر داد. به‌گزارش خبرگزاری رضوی، محمدرضا لطفی اظهار کرد: جشنواره امام‌رضا(ع) در سال‌های گذشته

دست‌شکرت‌کنندگان در جشنواره عکس رضوی را باز گذاشته بود و آن‌ها می‌توانستند بین بیست تا سی عکس ارسال کنند، بنابراین هرکس هر اثری که داشت، ارسال می‌کرد، در نتیجه سطح کیفیت آثار پایین بود. در دبیرخانه برای افزایش سطح کیفیت کارها تصمیم گرفته شد هرکس پنج اثر با کیفیت ارسال کند. وی بیان کرد: آثار ارسالی از هشت نه کشور فرستاده شده بودند و گروهی از متخصصان این عکاس‌ها را بازبینی کردند و تعدادی که باقی‌مانده است توسط داوران داوری می‌شود و قطعا کارهای باارزش انتخاب خواهند شد. جشنواره امسال با همه دوره‌های قبل متفاوت است و تفاوت فاحشی را در داوری خواهیم داشت. این پیشکسوت عکاسی حرم و بارگاه رضوی گفت: من در دوره‌های گذشته پیشنهاد دادم عکس‌هایی را انتخاب کنند که آستان قدس بتواند پوستر آن‌ها را چاپ کند و در اختیار زائران قرار دهد، اما چون نگاه داوران این گونه بود که تنها گروه خاصی مدنظر بودند، این موضوع عملی نشد. لطفی افزود: امسال این موضوع تغییر خواهد کرد و نگاه به‌گونه‌ای است که علاوه بر اینکه تأثیر زیادی بر مسئله فرهنگ رضوی و اذهان مردم داشته باشد، عکس‌هایی انتخاب شوند که پوستر آن‌ها در حرم در اختیار زائران قرار گیرد.

آثار برگزیده تئاتر رضوی در جشنواره فجر



کورش زارعی، دبیر جشنواره تئاتر رضوی، در نشست خبری این رویداد با اشاره به اینکه در بیشتر آثار با موضوع سیره رضوی به نذر و شفا پرداخته می‌شد، گفت که در این دوره پژوهش برای طرح موضوع‌های تازه مدنظر قرار گرفت و هیچ

اثری درباره نذر و شفا نداریم. برای این‌اساس در نهایت ۱۵۸ اثر به دبیرخانه رسید که هشتاد اثر بازبینی شد و از بین آن‌ها هم هشت اثر به بخش سابقه راه پیدا کرد. او اضافه کرد: در اختتامیه، پنج اثر برگزیده بخش نمایشنامه‌نویسی برای چاپ انتخاب خواهند شد که داوری این بخش برعهده‌نصرت...! قادری، لیلی عاج و شهرام کرمی بود. در این نشست اعلام شد که ۸۰۰۰ میلیون تومان در بخش جایز و ورودی هزینه شده و حدود یک میلیون ۲۰۰ میلیون تومان هزینه جشنواره است. زارعی ادامه داد: دو اثر از بخش خیابانی را به جشنواره چهل‌ودوم فجر معرفی کرده‌ایم و این روند در بخش صحنه‌ای هم انجام خواهد شد.

تولید آثار باکیفیت در جشنواره سرود رضوی



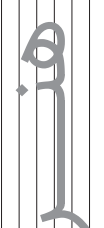
داور دوازدهمین جشنواره ملی سرود رضوی با بیان اینکه کار روی یک موضوع خاص در قالب چنین جشنواره‌هایی تأثیر مطلوبی روی مخاطب می‌گذارد، بیان کرد: در سال‌هایی که این جشنواره برگزار شد، تولیدات خوبی نیز تهیه شد، ازاین‌رو به

نظر می‌رسد باید بیش از این‌ها به چنین جشنواره‌ای پرداخت. سید تقی نیکوکار با بیان اینکه جشنواره ملی سرود رضوی با تولیدات خوبی همراه بوده است، گفت: سال‌های پیش سرود به خوبی دنبال می‌شد، ولی چند سالی بود که به آن پرداخته نمی‌شد، اما با تأکیدات رهبر معظم انقلاب، دوباره به این موضوع بها داده شد. نیکوکار خاطرنشان کرد: سرود گونه‌ای ادبی است که مخاطبان در سنین مختلف با آن ارتباط خوبی برقرار می‌کنند. داور دوازدهمین جشنواره ملی سرود رضوی بیان کرد: همچنین تفکیک جشنواره‌های مختلف از لحاظ محتوایی اتفاق خوبی بود که با این موضوع جشنواره امام‌رضا(ع) آغاز شد. در حقیقت پیش از این جشنواره‌ای با موضوعیت سرود برگزار نشده است.

شهریار

شماره ۲۴ خرداد ۱۳۹۹
شماره ۲۴ خرداد ۱۳۹۹
شماره ۲۴ خرداد ۱۳۹۹

۱۱



تصاویر از انیمیشن سینمایی «آخرین هاشمان» به کارگردانی اشکان رحمانگر

کوتاه «سیاساکتی»، بخشی از بار فرهنگ‌سازی در حوزه ترافیک را به‌دوش می‌کشید و جایگاه ویژه‌ای در ذهن مخاطبان ایرانی کسب کرده بود و چه زمانی که اولین فیلم بلند سینمایی انیمیشن ایران، یعنی «تهران ۱۵۰۰»، را ساخت. در این گپ وگفت، بهرام عظیمی، کارگردان و انیماتور و کارتنیست مطرح کشورمان، از بی‌توجهی به سرمایه‌های فرهنگی ایران می‌گوید، از اولویت‌نداشتن پرداختن به شاهنامه فردوسی در بودجه‌های فرهنگی‌گله‌داردو معتقد است با وجود تأکید رهبر معظم انقلاب درباره ساخت آثار فاخر سینمایی با موضوع شاهنامه فردوسی، کم‌کاری‌های بسیاری صورت گرفته است. به‌نظر او خلق کاری شاخص و اثرگذار برای معرفی یکی از شاهکارهای ادبی ایران فقط با ساخت یک فیلم سینمایی انیمیشن شدنی نیست.

سه‌سال روی کارش وقت بگذارد و در نهایت نه کارش دیده شود و نه هزینه‌اش برگردد.

● پس آن اتفاق بزرگ کجا باید رخ دهد؟

باید یک اتفاق عمومی رخ دهد، اتفاقی که نیازمند بسترسازی فرهنگی است. فقط ساخت فیلم و فراهم کردن امکانات تولید و اصلاح فرایندها و بودجه نیست. به‌نظم پیش از همه‌ای‌ها باید در کتاب‌خوانی، شعرخوانی، تولیدات رادیویی و همه مظاهر فرهنگی این اتفاق رقم بخورد.

● و حتی آموزش و پرورش...

بله، حتی در کتاب‌های درسی و برنامه ریزی‌های آموزش و پرورش، سؤال من از شما این است که آیا کتابی را در مقاطع مختلف تحصیلی سراغ دارید که به‌طور شایسته از شاهنامه و مفاهیم آن برای کودکان و نوجوانان ما حرفی بزند؟

● شاید خیلی کم.

اما من عید می‌دانم باشد، شما می‌گویید خیلی کم. اگر نسبتش را در کل مقاطع و سال‌های تحصیل یک دانش‌آموز در نظر بگیریم، نسبتی کم است.

● شما در بخشی از صحبت‌هایتان به کتاب‌خوان‌نویدن نسل امروز و اطلاعات ضعیفی که درباره شاهنامه دارد و همچنین به خلا فرهنگ‌سازی اشاره کردید و اینکه فقط نسل امروز جذب آثار شاخص غربی می‌شود. آیا اینجا می‌توانیم یک پرتلن از تأثیر کم و مسیری تازه در حوزه فرهنگ‌سازی بگشاییم؟ شاهد مثال من استفاده از ابزارهای رسانه‌ای امروز مانند شبکه‌های اجتماعی و تولید محتوا برای این شبکه هاست؛ اینکه بتوانیم با هنر چند آدم خوش فکر و خلاق و با یک سرمایه مشخص به تولید محتوا در بسترها و مدیوم‌های مجازی بپردازیم. به هرحال وقتی می‌پذیریم که نسل امروز حوصله کتاب‌خواندن ندارند، باید به فکر جایگزینی جذاب برای کتاب باشیم. آیا می‌شود با ساخت کلیپ‌ها یا انیمیشن‌های کوتاه بخشی از این خلا فرهنگ‌سازی را جبران کنیم؟

این‌ها اتفاق افتاده است و نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. من سال‌ها با جایی کار می‌کردم که چنین رویه‌ای داشت. ما مرحوم محمد ابدال‌الحسنی که مردم او را با پروژه‌های ماندن «دیرین‌دیرین» به‌خاطر دارند، چندین کار تفریحی کردیم. تعدادی از این پروژه‌ها با موضوع شاهنامه ساخته شدواز هر پروژه پنج شصت هم ساختیم و منتشر کردیم، با اینکه کارهای بدی هم نبود، با استقبال مخاطبان روبه‌رو نشد. بگذار بدبین تعارف بگویم، به‌زور نمی‌شود کاری انجام داد و خلا را پر کرد. باید یک اتفاق عجیب بیفتد.

● آن اتفاق عجیب چیست؟

باید اتفاقی پیش‌بینی‌ناپذیر رخ دهد. ما بارها از فردوسی گفته‌ایم و هیچ اتفاقی نیفتاده است، اما تا موضوعی جنجالی در فضای مجازی می‌کنند، شاید برای همه افکار و اذهان راه‌بخود معطوف می‌کنند. شاید برای پررنگ‌شدن شاهنامه در فضای مجازی و ابعاد اثرگذاری آن در رسانه‌های امروز هم باید چنین اتفاقی بیفتد که جایی‌کسی علیه شاهنامه موضع بگیرد تا حواس همه به آن معطوف‌شود. آن وقت همه مردم متحد می‌شوند که در موضعی تدافعی و تقابلی از شاهنامه بگویند، مانند آنچه که درباره فیلم «سیصد» رخ داد. هرچند در همان زمان با اینکه بودجه‌ای برای تقابل با آن فراهم شده بود، کسی نتوانست فیلمی در جواب «سیصد» بسازد. انگار باید منتظر باشیم دشمنی دشنامی به فردوسی بدهد تا ایرانی‌ها حواسشان به فردوسی و شاهنامه‌اش معطوف شود.

● یعنی نوی واکتش جمعی به یک ماجرا که اتفاق افتادن آن هم دست خودمان نیست. فقط باید منتظر باشیم تا آن اتفاق رخ بدهد و بعد واکنش نشان دهیم و منجر به تولید و فرهنگ‌سازی و... شود؟

بله. حرف آخر من این است که اگر بخواهیم در فضای رسانه‌ای امروز کاری‌ارایش ببریم، با این‌روش که بگوئیم فردوسی خوب است و شاهنامه خوب است و... کار پیش نمی‌رود. فضای رسانه‌ای امروز این را می‌طلبد که یکی پیدا بشود، سخنی علیه فردوسی بگوید و بعد برای روکم کنی همه کاربران ایرانی وارد گود شوند و آن وقت حواس همه به شاهنامه معطوف شود. به‌نظم اگر بخواهیم فرهنگ‌سازی را در ابعاد رسانه‌های امروز پیش ببریم، راهش همین است.

فیلم به اکران خوب آن هم بستگی دارد، هرچند باید بپذیریم که مردم ما تاکنون به این آثار اقبالی نشان نداده‌اند. خود من اگر قرار باشد دست پسرم را بگیرم و باهم پای تماشای فیلمی با موضوع شاهنامه بنشینیم، باید برای او توضیح بدهم که شاهنامه چیست و باید دائم کار را با آثار ساخته‌شده خارجی برای او مقایسه کنم.

● اینکه نسل امروز علاقه چندانی به خواندن شاهنامه یا دیدن اثری با موضوع شاهنامه ندارد، نکته‌ای کلیدی و درخور توجه است و باید به دنبال چرایی آن باشیم. چه مشکلی باعث می‌شود نتوانیم این مفاهیم را به‌روز کنیم و به نسل امروز انتقال دهیم و باتوجه به ذائقه نسل امروز تولید اثر کنیم و محتوا و مفهوم را ارائه دهیم؟

نسل جدید با شاهنامه آشنا نیست. چرا آشنا نیست؟ به این دلیل که کتاب نمی‌خواند. حالا این سؤال مطرح می‌شود که پس این نسل با چه چیزهایی آشناست؟ به‌نظر من این نسل با شخصیت‌های غربی و فرهنگ‌های وارداتی آشنایی بیشتری دارد تا شاهنامه، به‌این دلیل که فیلم‌ها و انیمیشن‌های غربی بسیاری را به‌راحتی در تلویزیون و موبایل و کامپیوتر می‌بیند. آن‌هم مفت و مجانی و با بهترین کیفیت و اتفاقا کارهای بسیار درجه یک و تأثیرگذاری را هم می‌بیند.

● حالا در این وضعیت چه موقع نسل امروز ما به سراغ شاهنامه و مفاهیم و شخصیت‌ها و داستان‌های آن می‌رود؟

متأسفانه باید بگویم زمانی که هالیوود باید یک رستم و سهراب درجه یک یا یک رستم و افراسیاب درجه یک بسازد.

● ساخت یک اثر باشکوه نیازمند امکانات و حمایت‌هایی است. البته چند سالی است که دست‌اندرکاران متوجه شده‌اند می‌توان از دل شاهنامه مفاهیم حماسی را بیرون کشید و آن مفاهیم را در قالب آثار هنری، مانند فیلم، به جامعه تزریق کرد. این اتفاق هنوز نیفتاده و به گفته شما در حد شعار بوده است. حالا

چطور می‌توان نظر متولیان و مدیران فرهنگی را به شاهنامه معطوف و فرایند تولید آثار فاخر را اصلاح کرد و به آن سرعت بخشید؟

اگر من بخواهم به‌عنوان کسی که انیمیشن سینمایی ساخته‌ام، اثری با موضوع شاهنامه بسازم، نمی‌توانم بودجه بگیرم، چون بودجه گرفتن برای این کار بسیار دشوار است، به همین نسبت همراه کردن مدیران نیز دشوارتر است.

جالب این است که حتی خیلی مواقع بودجه هم جور شده‌است، اما عوامل تولید از پس آن برنیامده‌اند. مواردی هم بوده است که برای گرفتن بودجه جنگیده‌ایم، اما وقتی اثر را ساخته‌ایم، خروجی کار مطلوب نبوده و این اعتماد بین تولیدکننده و مدیران از بین رفته است. اگر قرار باشد یک کار خیلی فاخر ساخته شود، علاوه بر همراه کردن مدیران فرهنگی باید یک تهیه‌کننده قدر با مجموعه‌ای از کارگردانان کاربلد و عوامل فنی کاربلد، یک تیم قوی را پای کار بیاورد و به برگشت سرمایه‌اش هم فکر نکند، فقط هزینه کند و حتی ممکن است بخشی‌هایی از کار هم خارج از کشور انجام شود و یک کار درجه یک ساخته شود.

به‌نظر می‌رسد هنوز در میان تهیه‌کننده‌های سینمای ایران چنین فردی وجود ندارد. همه حرف می‌زنند، اما زمانی که می‌گوی یک انیمیشن شاهنامه‌ای درجه یک می‌سازم، تهیه‌کننده با خودش حساب و کتاب می‌کند و می‌بیند با ۵۰۰ میلیارد تومان می‌تواند دو یا سه فیلم سینمایی کم‌دی با حضور همه سلبریتی‌های سینما بسازد و چند برابر آن بودجه برگشت سرمایه داشته باشد. چرا بیاید ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه کند و برای نمونه

در عرصه جهانی انیمیشن به‌دست آوریم و از همه مهم‌تر اینکه عناصر فرهنگی ایران و اسطوره‌های این سرزمین در تولیدات سینمایی ما وبه‌ویژه صنعت پویانمایی نمود چندانی ندارند. اگر چه از هنر انیمیشن به‌عنوان عاملی برای شکل‌گیری ذهنیت مخاطب نام برده می‌شود، این سؤال مطرح می‌شود که تولیدات صنعت پویانمایی ایران تا چه اندازه توانسته‌است بر شکل‌گیری ذهنیت مخاطبانش تأثیر بگذارد. درحالی که فیلم‌سازان ما در یایی از محتوای داستان‌ی و عناصر تاریخی و فرهنگی ایران را پیش‌روی خود می‌بینند، چرا هنوز جای یک اثر فاخر و شگوهمند با موضوع شاهنامه در تولیدات سینمایی ایران خالی است؟ برای بررسی این مسئله، به‌سرآغ کسی رفته‌ایم که سال‌هاست به خلق آثار بی‌پدیل انیمیشن پرداخته و چهره‌ای آشنا برای مردم ایران است؛ چه آن زمان که با مجموعه انیمیشن‌های

حتما باید دشنام دشمن باشد که به شاهنامه توجه کنیم؟!!

گفت وگو با بهرام عظیمی، کارگردان و انیماتور، درباره سختی‌های ساخت آثار فاخر با موضوع شاهنامه

صنعت پویانمایی (انیمیشن) ایران در سال‌های اخیر، از لحاظ فنی و محتوایی شاهد اتفاقات و تحولات چشمگیری بوده‌ایم، اما باتوجه به ظرفیت موجود تحولات چشمگیری بوده‌است. در این سال‌ها علاوه بر رشد فزاینده مسائل فنی و نیز تربیت نیروهای متخصص، سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و حتی بخش خصوصی نیز اقبال درخور توجهی به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انیمیشن داشته‌اند و همین امر انگیزه هنرمندان این هنر پرمخاطب را برای ساخت آثار کیفی افزایش داده است. بااین‌همه، برخی کارشناسان انتقادهایی را درباره جای خالی عناصر فرهنگی ایران در تولیدات انیمیشن مطرح می‌کنند، از اینکه هنوز نتوانسته‌ایم جایگاه درخور

گفت‌وگوی ویژه

● رشد پویانمایی ایران در سال‌های اخیر به‌هیچ‌کس پوشیده نیست و از لحاظ کیفیت و موارد فنی شاهد اتفاقات و تحولات چشمگیری بوده‌ایم، اما باتوجه به ظرفیت موجود این هنر صنعت در کشورمان و نیز وجود ظرفیتی مانند آثار گران‌سنگ ادبیات فارسی همچون شاهنامه فردوسی، چرا شاهد تولید اثری فاخر و درخور توجه با این موضوع در ایران نبوده‌ایم؟ به‌نظران دلایل این کم‌کاری چه بوده‌است؟

زمانی دربارۀ این موضوع (ساخته‌شدن آثار فاخر سینمایی و پویانمایی) باید صحبت کنیم که اطلاعاتمان کامل باشد. به‌نظم اطلاعاتمان کافی نیست، بدین معنا که درباره پژوهش‌ها و اطلاعاتی که درباره شاهنامه داریم، محدود است. آنچه به‌صورت کلی در نظر بسیاری از ما به‌عنوان یک باور وجود دارد، این است که شاهنامه اثر فاخر و بزرگی است و اثری باتوجه به ظرفیت شاهنامه و قصه‌هایی که در آن هست، ساخته نشده است، درحالی که هزاران اثر با این موضوع در قالب فیلم‌ها و انیمیشن‌ها و... از سال‌های دور ساخته شده است. آثار سینمایی بسیاری با موضوع رستم و سهراب و... ازسوی هنرمندان سایر کشورها و هنرمندان خودمان ساخته شده است، اما آنچه اهمیت دارد این است که تاکنون اثری که در خاطر و ذهن مخاطب بماند و همواره به یاد آورده شود، ساخته نشده است. اینجا منظورم یک فیلم سینمایی باشکوه است که در ایران ساخته نشده است، فیلمی به معنای واقعی کلمه فاخر... ما همواره فیلم‌های شاخص خارجی و داستان‌های اسطوره‌ای خارجی را در آثار سینمایی که جلوه‌های ویژه باشکوه می‌بینیم، به‌ویژه آثار درجه یک که در هالیوود ساخته می‌شوند. برای این‌اساس یک دغدغه همواره ذهن ما را به‌خود مشغول کرده است، اینکه آن‌ها این اسطوره‌ها و موجودات اسطوره‌ای را خلق می‌کنند و برایشان آثار شاخص می‌سازند. درحالی که نظیر این موارد از قدیم در فرهنگ ما وجود داشته است. نکته این است که خارجی‌ها چون این عناصر را در تاریخ و فرهنگ خود ندارند، قدر داشته‌های اندکشان را بیشتر می‌دانند و ما که داریم، قدر آن‌ها را نمی‌دانیم. صنعت سینمای ایران و به‌طور خاص صنعت انیمیشن کشور ما هنوز به‌حدی نرسیده است که بخواهد فیلم باشکوه و درجه یک بین‌المللی بسازد و گر نه در خود تلویزیون ما شرکت صبا که تولیدات انیمیشن تلویزیون را برعهده دارد و نیز سایر شرکت‌های بخش خصوصی و... آثار انیمیشن با این موضوع ساخته شده‌است. در همین پنج‌شش سال اخیر، دوسه انیمیشن شاهنامه‌ای در ایران تولید شده است. حالا ممکن است که آثار تولیدشده حول محور داستان رستم و سهراب نبوده باشند، چون در ایران ذهنیتی وجود دارد که تا بگویي شاهنامه همه داستان رستم و سهراب را به‌خاطر می‌آورند، یا زال و افراسیاب و نظایر این‌ها را. وقتی می‌گویم باید اطلاعاتمان کامل باشد، به این معناست که همه از شاهنامه فقط رستم و سهراب و افراسیاب و ضحاک و داستان‌های بیشتر شنیده شده و خوانده شده‌ام یا دانند و اطلاعاتمان در همین حد است، درحالی که شاهنامه سرشار از قصه‌ها و شخصیت‌های پرشمار و خاص است که گاهی ظرفیت قصه‌هایشان از روایت رستم و سهراب نیز جذاب‌تر است. بااین تفصیل می‌توان ادعا کرد که آثار ساخته‌شده با موضوع شاهنامه چندان چشمگیر نیستند. ما در مملکتی زندگی می‌کنیم که اگر قرار باشد بودجه کلانی برای تولید یک اثر بسیار فاخر اختصاص بدهند و بهترین و زیاده‌ترین متخصصان را برای ساخت آن پای کار بیاورند و آن‌ها را مأمور کنند که اثری باشکوه بسازند، داستان‌های شاهنامه در اولویت نخواهد بود. برخی متولیان و مدیران فرهنگی با وجود اینکه پرداختن به شاهنامه جزو شعارهایشان است، باز سراغ این موضوع نمی‌روند. حتی هنوز خیلی از مدیران و متولیان فرهنگی ما برای شاهنامه هیچ وجه دینی قائل نیستند.

● درحالی که شاهنامه وجوه دینی پررنگی دارد و سرشار از حکمت‌ها و مضامین دینی و مذهبی است.

بله. آنچه در ذهن و نظر برخی مدیران و متولیان می‌گذرد این است که نمی‌توان وجوه دینی موجود در شاهنامه را با اسلام منطبق کرد. درحالی که هرچه بیشتر داستان‌های شاهنامه را بخوانی، بیشتر متوجه می‌شوی که این اثر

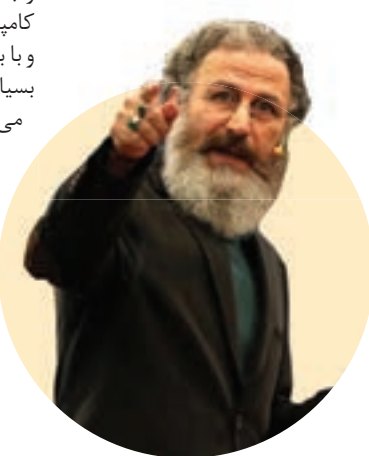
وجوه پررنگی از حکمت‌های اسلامی دارد. زمانی که قصه‌ای را روایت می‌کنیم و موضوع انسانیت در آن موج می‌زند، از گذشت حرف می‌زنیم، از خانواده صحبت می‌کنیم، از احترام به پدر و مادر می‌گوئیم، از قهرمان صحبت می‌کنیم و از پهلوانی و مرام آن می‌گوئیم، امکان ندارد درگوریشه دینی نداشته و مفاهیم دینی در آن وجود نداشته باشد، منتها چون رستم است و چون کلاه‌خودش شاخ دارد و با دیو می‌جنگد، پرداختن به شاهنامه در نگاه برخی مدیران در اولویت قرار ندارد و بودجه‌ای به آن تخصیص داده نمی‌شود، از این‌رو خیلی از کسانی که برای ساخت اثر به شاهنامه و قصه‌های آن روی می‌آورند، آدم‌هایی هستند که عرق خاصی به این اثر دارند و می‌خواهند اثری برای نسل جدید بسازند. این نگاه وقتی اهمیت پیدای کند که بدانیم در این روزگار کمتر کسی شاهنامه می‌خواند. همچنین در نسل امروز سراغ نداریم یا کمتر سراغ داریم که نوجوانی بیاید و شاهنامه بخواند. احتمالا در هر هزار نفر یک نفر هم این کار را نمی‌کند.

حتی ممکن است هنرمندی بیاید و انیمیشنی با موضوع شاهنامه بسازد، اما این کار در نظر مخاطب نوجوان چندان جذاب نباشد. در ساخت آثار سینمایی و انیمیشن باید این موضوع را در نظر داشته باشیم که راه ارتباط گرفتن با نسل امروز مثل قبل نیست که کتاب در آن نقشی محوری داشته باشد. نوجوان امروز ارتباط پررنگ‌تری با فیلم می‌گیرد تا کتاب؛ با نهایتا یک میکم استریپ ارتباط برقرار می‌کند که آن هم در فرهنگ ما چندان جایگاهی ندارد، بنابراین باید بپذیریم که در این زمینه کم‌کاری کرده‌ایم.

در اهمیت استفاده از مفاهیم شاهنامه بگذارید خاطره‌ای برای شما بگویم. ما دوسه سال پیش به همراه چندتن از سینماگران به محضر رهبر معظم انقلاب رفتیم. در آن جمع سی‌وسه چهارنفره، از هر طیف فکری و اعتقادی حضور داشتند و به ما گفته بودند که مشکلاتمان را با معظله در میان بگذاریم. وقتی حرف‌هایمان را با ایشان مطرح کردیم، حضرت آقا سخنی گفتند که برای ما بسیار جالب بود. ایشان در سخنانشان اولویت را به قصه‌های شاهنامه دادند و گفتند چقدر خوب است که در مملکت ما انیمیشن‌هایی مرتبط با فرهنگ ایران و با موضوع شاهنامه ساخته شود و تأکید کردند که انیمیشن‌های باشکوه تولید شود. ایشان ابتدا درباره این موضوع سخن گفتند و بعد درباره ساخت آثار فاخر دینی، رهبر معظم انقلاب می‌دانند بیش از چهل سال است که در این مملکت انیمیشن‌های دینی ساخته می‌شود و اگر این کار جواب می‌داد، تا الان اثرش را گذاشته بود. از نگاه مردم هنوز اتفاق بزرگی با گستره جهانی در عرصه فیلم‌سازی ما نیفتاده است. فیلم‌هایی ساخته شده‌اند، اما اتفاق بزرگی رخ نداده است و به همین دلیل تأکید رهبر معظم انقلاب بر این بود که آثاری با موضوع شاهنامه ساخته شوند.

● شما از کم‌کاری‌ها گفتید. به نظر می‌رسد حرف شما بعد دیگری هم دارد و آن این است که آثار ساخته‌شده با موضوع داستان‌های شاهنامه از بنیه‌ای قوی در زمینه کارهای پژوهشی و مطالعاتی برخوردار نبوده‌اند. آیا می‌توانیم این ضعف را نیز یکی از دلایل ساخته نشدن آثار فاخر سینمایی با موضوع شاهنامه قلمداد کنیم؟

نه. اتفاقا کارهای خوب با بنیه قوی مطالعاتی هم داشته‌ایم، مانند آنچه اشکان رهگذر ساخت. انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» یا نظایر آن مگر بد بود؟! آنچه مدنظر من است و در دیده‌شدن کار مؤثر است، دلایل مختلفی دارد. برای نمونه یکی از عوامل موفقیت یک



همه از شاهنامه فقط رستم و سهراب و افراسیاب و ضحاک و داستان‌های بیشتر شنیده شده و خوانده شده را می‌دانند و اطلاعاتمان در همین حد است، درحالی که شاهنامه سرشار از قصه‌ها و شخصیت‌های پرشمار و خاص است که گاهی ظرفیت قصه‌هایشان از روایت رستم و سهراب نیز جذاب‌تر است